

کلید واژه‌ها: اقلیت‌ها، ایران، بلوچ‌ها، دانشجویان بلوچ، هویت ملی

مقدمه

هویت ملی که به معنای احساس تعلق به یک دولت - ملت در چارچوب یک سرزمین معین فرهنگ، تاریخ، خاطرات، ادبیات و زبان مشترک و اراده باهم زیستی می‌باشد، از مفاهیمی است که در دوران معاصر، بعد از شکل‌گیری دولت - ملت و دولت ملی در غرب، موضوعیت یافت. هویت ملی در یک کشور، لازمه و پیش‌نیاز همبستگی و وفاق اجتماعی و یکپارچگی ملی است. آن‌جا که یک بخش از هویت ملی برپایه برخی از عناصر هویت قومی شکل می‌گیرد و بنابراین ممکن است، یک یا تعدادی از این عناصر، حالتی عام یا مشترک نداشته باشند و از طرفی ملت به معنای شهروندان یک کشور است که از حقوق و تکالیف مشابه و برابری برخوردارند، در جوامع چند قومی، بحث هویت ملی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از نیمه دوم قرن بیستم تا به حال، با توجه به اینکه بحران‌های قومی بسیار متعددی در دنیا بویژه در کشورهای نظیر اتحاد جماهیر شوروی سابق، یوگسلاوی و بسیاری از کشورهای آفریقایی و خاورمیانه بویژه ایران، روی داده است و از طرفی بیش از نود درصد کشورهای دنیا چند قومی هستند، موضوع قومیت و ناسیونالیسم قومی و تقابل آن با هویت ملی، چه در سطح سیاست و اجتماع و چه در علوم اجتماعی و سیاسی از اهمیت فراینده‌ای برخوردار شده است. تحقیق حاضر در همین راستا، در پی آن است که با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت پرداختن به این مسأله در ارتباط با قومیت بلوچ بویژه با توجه به سوابق جنبش‌های قومی در بلوچستان و نیز موقعیت استراتژیک آن، نگرش دانشجویان بلوچ به عنوان یک قشر از نخبگان بلوچ را نسبت به هویت ملی ایرانی بررسی نماید.

الف) طرح مسأله

هویت که در سطح فردی و اجتماعی از مهمترین مباحث جامعه بشری است، در اصطلاح علمی به معنای چیستی‌شناسی یا کیستی‌شناسی است. اینکه افراد جامعه خود را "که" یا "چه" بدانند، در واقع هویت خود را مشخص می‌نمایند. هنگامی که از فردی در باره هویت او سؤال می‌کنیم در واقع منظورمان این است که او، خود را چگونه معرفی می‌کند یا می‌شناسد. این همان چیزی است که "مانفرد کان" و "توماس کلاتو" در سال ۱۹۵۴ با تهیه یک آزمایش

بررسی نگرش دانشجویان بلوچ نسبت به هویت ملی

محمد عثمان حسین‌نر

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی - تهران

و نفوذ نسبتاً زیادی در بین مردم بر خورد دارند و علاوه بر این سرداران و سران طوایف تا حد زیادی جایگاه گذشته خویش را از دست داده‌اند، توجه به جایگاه و نقش دانشجویان، از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. در کنار همه این موارد، محیط دانشگاه و نقشی که در فراهم نمودن تعاملات بین گروه‌ها، خرده فرهنگ‌ها و اقوام مختلف ایفا نموده و بنابراین در شکل‌گیری و تکوین نگرش‌های دانشجویان و نیز هویت آنها اهمیت زیادی دارد، خود توجه ویژه‌ای می‌طلبد. در راستای مطالبی که ذکر گردید، تحقیق حاضر در پی آن است تا نگرش دانشجویان بلوچ را نسبت به هویت ملی بسنجد.

ب) سیر تاریخی موضوع

اگر از نظر رابطه بین هویت ملی و هویت قومی به تحولات تاریخی ایران نگاه کنیم و بروز جریان‌های سیاسی محلی را به عنوان برجسته شدن هویت قومی در برابر هویت ملی در نظر بگیریم، می‌توان گفت تا قبل از تشکیل دولت مدرن در زمان رضاخان، از آن جا که دولت مرکزی به عنوان منادی و تحمیل‌کننده هویت ملی ایفای نقش نمی‌کرد، ما هیچ‌گاه شاهد تقابل هویت قومی با هویت ایرانی موجود نبودیم. و به عبارت دیگر، هویت قومی هرگز در برابر هویت ایرانی برجستگی پیدا نکرده و سیاسی نشده بود. از آن جا که در هر منطقه، سران طوایف به عنوان نماد هویت قومی حاکمیت را در دست داشتند و آنها نیز به صورتی هر چند غیر مستمر در مواقع اخذ مالیات یا تأمین نیروی نظامی، تابع دولت مرکزی یا پادشاه به عنوان نماد هویت ایرانی بودند، بین این دو هویت تقابلی وجود نداشت و در واقع، این دو هویت به هم وابسته بودند.

در مواردی نیز که بین دولت مرکزی و سران طوایف اختلاف و حتی درگیری‌هایی ایجاد می‌شد این اختلاف ناشی از یک شکاف هویتی قومی-ایرانی نبود، و به همین جهت با اعلام تبعیت مجدد آن سران از دولت مرکزی و یا حداکثر جایگزینی آنها با افرادی دیگر از همان طایفه که اغلب از اعیان و یا خویشاوندان همان سران بودند پایان می‌یافت.

بعد از تشکیل دولت مدرن از زمان رضاخان تا به حال، سعی دولت‌ها برای ایجاد هویت ملی از آن جا که جنبه تحمیلی داشته، فاقد پایبندی به مبانی اصلی هویت ملی بویژه حقوق شهروندی بوده و با بسیاری از نمادها و عناصر هویت قومی منافات داشته است، و سیاسی شدن

بسیست سؤالی یا تست مشهور (T.S.T) در پی آن بودند تا برای توصیف "خود" از نظر فرد و به عبارت دیگر هویت او، از افراد بخواهند به سؤال "من کیستم؟" با بیست خانه خالی جهت پاسخ، جواب بدهند. (توسلی ۱۳۷۴: ۳۲۴)

هویت، سطوح و جنبه‌های گوناگونی دارد که هم‌زمان بارشد فرد حاصل می‌شوند در سطح کشور و به عبارتی دولت-ملت، هویت ملی مطرح می‌شود که بنا به نظر بسیاری از صاحب‌نظران، از مهمترین اشکال هویت جمعی می‌باشد. از مهمترین عواملی که توجهات ویژه‌ای را به طرف هویت ملی جلب نموده‌اند، بحران‌های قومی بوده‌اند که در نیمه دوم قرن بیستم میلادی بویژه اواخر آن بروز کرده‌اند. در قالب این بحران‌ها، هویت قومی در مقابل هویت ملی برجستگی پیدا کرده و در تضاد با آن قرار گرفته است. چنین چیزی بیشتر به بعد سیاسی هویت ملی بر می‌گردد. ما با تأکید بر بعد سیاسی هویت ملی، به زمینه‌ها و عواملی خواهیم پرداخت که در چارچوب یک هویت قومی بر نوع و شدت نگرش، نسبت به هویت ملی تأثیرگذار هستند. موضوع دولت-ملت در ایران بعد از انقلاب مشروطیت و تلاش دولت برای شکل‌گیری هویت ملی، از زمان رضاخان تا به حال، در بسیاری از موارد، تضادهایی بین هویت قومی اقوام نظیر کردها، آذری‌ها و بلوچ‌ها و هویت ملی مورد نظر حکومت مرکزی ایران وجود داشته و به صورت درگیری‌هایی بین این اقوام و دولت مرکزی بروز نموده است. از آن جمله می‌توان به بحران‌های قومی اشاره نمود که در دوران رضاخان، محمدرضا شاه و بعد از انقلاب اسلامی در بلوچستان بروز نموده‌اند.

از آن جا که در برجسته شدن هویت قومی در برابر هویت ملی، بناچار نقش آفرینی یک گروه نخبه ضرورت دارد، توجه ما به دانشجویان معطوف می‌شود. علت این است که دانشجویان جزو نیروهای فعال جامعه بوده و حداقل یک گروه نخبه بالقوه به شمار می‌روند. نقشی که دانشجویان و جنبش‌های دانشجویی در تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع فعلی دارند، به خوبی گواه این امر می‌باشد. در بلوچستان ایران نیز، می‌توان نقش دانشجویان را در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی اخیر، بویژه در اواخر دوران پهلوی و بعد از انقلاب، ردیابی نمود. در شرایط فعلی نیز که دانشجویان بلوچ با نخبگان مذهبی بلوچستان در ارتباط تنگاتنگی بوده و به خاطر داشتن گرایش‌های مذهبی بر خلاف دانشجویان چپ‌گرای اواخر دوره پهلوی و اوایل انقلاب از محبوبیت

بلوچستان
ایران نیز،
می‌توان نقش
دانشجویان را در
جنبش‌های
اجتماعی و
سیاسی اخیر،
بویژه در اواخر
دوران پهلوی و
بعد از انقلاب،
ردیابی نمود. در
شرایط فعلی نیز
که دانشجویان
بلوچ با نخبگان
مذهبی بلوچستان
در ارتباط
تنگاتنگی بوده
و به خاطر
داشتن
گرایش‌های
مذهبی بر خلاف
دانشجویان
چپ‌گرای اواخر
دوره پهلوی و
اوایل انقلاب از
محبوبیت و نفوذ
نسبتاً زیادی در
بین مردم
برخوردارند.

ج (مبانی نظری تحقیق

۱- نگرش^(۱)

نگرش، گرایش یا ایستار، بنا به نظر آلپورت "یک حالت روانی و عصبی آمادگی است که از طریق تجربه سازمان یافته و تأثیری هدایتی یا پویا بر پاسخ های فرد در برابر کلیه اشیاء یا موقعیت هایی که به آن مربوط می شود دارد." (کریمی، ۱۳۷۷: ۲۶۲-۳)

کودک با گذراندن وقت خویش با والدین، همبازی ها، هم کلاسی ها و معلمان خود، از طریق فرایندهایی مانند تداعی، تقویت و تقلید، باورهایی شبیه باورهای آنها کسب می کند و در نتیجه از نظر نگرش، همانند آنها می شود. نگرش های کودکان همانند نگرش های خانواده است. در دوره دانشگاه، نگرش دانشجویان از بیشترین امکان تغییر برخوردار می شود. نگرش ها پس از شکل گیری از ثبات بیشتری برخوردار شده و تابع اصل ثبات شناختی هستند. یعنی در برابر تغییر، مقاومت می کنند. حتی اگر اطلاعات مغایر با نگرش ها به فرد برسد، فرد سعی می کند آنها را با چارچوب نگرش خود تطبیق دهد.

۲- هویت

هویت از نظر لغوی در "فرهنگ زبان فارسی" عبارت است از "آن چه که موجب شناسایی شخص یا چیزی می شود." (مشیری ۱۳۶۹: ۱۱۷۷) معادل انگلیسی هویت، «Identity» است که دارای دو معنای اصلی می باشد. معنای اول، همانند مطلق (به صورت "این" "عین" "آن") و معنای دوم، تمایزی است که از ثبات و تداوم زمانی برخوردار می باشد. (جنکینز، ۱۹۹۶: ۳)

هویت، ظاهرآ از دو معنای متضاد "هماندی" و "تمایز" برخوردار است. اما اگر با کمی دقت معلوم شود که این دو معنا، مکمل هم و دوروی یک سکه هستند. به عبارت دیگر، سکه هویت دوروی دارد: "هماندی با گروهی" و دیگری "تمایز از دیگران". واژه هویت در ابتدا توسط روان شناس معروف اریک اریکسون بکار برده شد. به نظر او، هویت یک مرحله از تحول جسمی شخصیتی انسان است که به هویت سطحی یا فردی معنا شده است. این وضعیت در بردارنده مفاهیمی است که همسانی و تداوم شخصیت فرد را تضمین می کند. بر این اساس، نیاز انسان به امنیت، ثبات و نظم و نیز تعلق داشتن به واسطه کسب هویت برآورده می شود. (پالمر و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۴۲)

زمینه های ذهنی هویت، به صورت ناخودآگاه، در جریان تعاملات فرد با دیگران و به واسطه شناسایی هایی

و تضاد هویت قومی با هویت ملی را به همراه آورده است. به همین جهت تلاش ها برای ایجاد یک هویت ملی واقعی و پایدار، حداقل در میان برخی از قومیت ها با موفقیت چندانی همراه نبوده و حداکثر منجر به ایجاد یک هویت ملی ظاهری و شناسنامه ای شده است. این تلاش دولت مرکزی موجب شده است که در عکس العمل با آن، نخبگان محلی و غیر محلی و نیز برخی نیروها و عوامل بین المللی با تأکید شدید بر عناصر هویت قومی، موجبات برجستگی و سیاسی شدن آن در برابر هویت ملی را فراهم می آورند. بحران های قومی که بعد از حکومت رضاخان تا به حال بروز نموده اند، به خوبی بیانگر این امر هستند. دوره هایی را هم که ظاهراً منطقه آرام بوده و خبری از بحران های قومی وجود نداشته است، می توان ناشی از سرکوب دولتی یا به رسمیت شناخته شدن هر چند محدود نخبگان محلی و یا فراهم شدن زمینه هایی برای مشارکت سیاسی این نخبگان توسط دولت دانست.

اگر در شرایط فعلی از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی به استان سیستان و بلوچستان توجه نماییم، به راحتی سیمای فقر، محرومیت و توسعه نیافتگی را در آن، بویژه در ناحیه بلوچستان می بینیم. این استان، هنوز توسعه نیافته ترین استان کشور است و براساس اغلب شاخص های اجتماعی - اقتصادی در سال ۱۳۷۵، این استان از کمترین میزان توسعه یافتگی و به عبارتی از بیشترین میزان محرومیت در میان استان های کشور، برخوردار بوده است و با این وجود، به طور نسبی از اعتبارات بسیاری پایینی بهره مند شده است. (امیر احمدیان، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۲۷)

از نقطه نظر سیاسی، رویداد دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ و انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری را می توان نقطه عطفی در رابطه مردم و نخبگان بلوچ با ساختار سیاسی کشور دانست. این امر در بسیاری از موارد بویژه انتخابات، مشارکت سیاسی مردم را در حد بسیار بالایی رساند. میزان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در سال های ۷۶ و ۸۰ و درصد آرای آقای خاتمی در استان سیستان و بلوچستان به خوبی بیانگر این امر می باشد. در این شرایط، امید دستیابی به وضعیتی مناسب تر و رفع بسیاری از تبعیض های موجود، ضمن امیدواری بیشتر مردم بلوچ به نظام سیاسی حاکم بر ایران، ارتباط آنها با دولت را بیش از پیش بالا برده است.

✓ از نقطه نظر سیاسی، رویداد دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ و انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری را می توان نقطه عطفی در رابطه مردم و نخبگان بلوچ با ساختار سیاسی کشور دانست.

1-Attitude

که آنها از فرد دارند شکل می گیرد. ساختمان هویت فرد، در جوانی شکل می گیرد. اما مصالح آن، در هویت شناسی های اولیه ساخته می شود. اولین مرحله در شکل گیری هویت، خانواده است. فرد به تدریج وارد اجتماعات دیگری چون محله، قبیله، قوم، طبقه و... می شود. نقش خانواده و نگرش های والدین در هویت شناسی فرد بسیار مهم است، اما سایر اجتماعات نیز بر حسب شرایط، می توانند تأثیر مهمی بر شکل گیری هویت داشته باشند. (۱۳۷۷: ۵۵-۶)

هویت می تواند بر اساس تأکید بر ابعاد تمایز یا همانندی به ترتیب فردی یا جمعی باشد اما در هر صورت اجتماعی، است به عبارتی دیگر، هویت هر چند به وسیله فرد ابراز می شود و به تعریف و شناسایی فرد از خودش یا انتسابش به گروه ها مربوط است، اما اساساً مقوله ای اجتماعی می باشد. چرا که افراد هویت خود را در روند اجتماعی شدن و یاد ر طی تماس با دیگران کسب می کنند. هویت در نظریات جامعه شناسی بیشتر در دیدگاه کنش متقابل نمادی مورد تأکید قرار گرفته و به صورت "خود" مطرح شده است.

دولت و قدرت سیاسی می توانند در فرایندهای حفظ و تغییر هویت نقش محوری داشته باشند و بخصوص هویت های اسمی را که برای دسته بندی مردم به کار می روند، به راحتی تغییر دهند، حفظ نمایند و یا تحمل کند. (جنکینز، ۱۹۹۶: ۱۹-۲۸)

۳- هویت ملی^(۱)

هویت ملی، نمونه بر جسته ای از هویت جمعی است و شاید کمتر شکلی از اشکال هویت جمعی در شرایط امروزی بتواند به پای اهمیت هویت ملی برسد. اهمیت مفهوم هویت ملی نسبت به سایر انواع هویت جمعی، در تأثیر بسیار آن به حوزه های متفاوت زندگی در هر نظام اجتماعی است؛ مثلاً هویت ملی در حوزه سیاست، آرمان ها را تحقق می بخشد و یا به قدرت حاکم مشروعیت می دهد و بر میزان نفوذ آن می افزاید. (۱۳۷۹: ۱۹۷)

هویت ملی، هویتی است مبتنی بر تشابه منظم و معنی دار بین گروهی از افراد به نام ملت در چارچوب یک سرزمین و دولت ملی خواص و تمایز آنها از ملت های دیگر. هنگامی که بحث سرزمین به صورت واحدهای سیاسی مجاز مطرح گردید موضوع ملت پیش آمد، تا مردم سرزمین در قالب یک اجتماع تخیلی خود را یک ملت واحد تصور نمایند. بنابراین می توان ملت را یک "اجتماع

تخیلی" دانست که اعضای آن نه چندان همدیگر را می شناسد، نه چندان همدیگر را می بیند اما بر این باورند که همگی عضو یک ملت واحد هستند، ملت گروهی از مردم است که به واسطه احساس خویشاوندی یا تبار مشترک، تصور تعلق به یک اجتماع گسترده را در خود پرورانده اند. برای نخستین بار در برخی کشورهای اروپایی دولتی که بعدها به صورت یک دولت درآمد با تأکید بر عناصر قومیت و هویت قومی همانند زبان در طی فرایند ملت سازی موفق گردید در مردم سرزمین خویش تصور یک ملت بودن را ایجاد نماید. شکل گیری هویت ملی نیز حاصل چنین فرایندی بود. تشکیل دولت ملی که پدیده ای خاص دوران جدید است به معنی عبور از هویت های سنتی، همچون مذهب، قوم، قبیله ای و کاست به هویت جدید ملی است. در این مرحله به جای اینکه افراد خود را بر اساس تعلق مذهبی، قبیله ای یا نژادی شناسایی کنند بر اساس تعلق به ملتی خاص با جغرافیایی معین و نظام حکومتی معینی، شناسایی می شوند. (قیصری، ۱۳۷۷: ۴۹-۵۰)

با توجه به اینکه در اغلب موارد، ملت سازی بنیادی قومی دارد، در جوامع چند قومی در صورتی که هویت ملی تنها بر عناصر فرهنگی یک قوم متکی بوده و در نتیجه موجب محرومیت یک یا تعدادی از اقوام از برخی حقوقشان شود و بنابراین مورد تبعیض و نابرابری قرار گیرند یا آن را احساس نمایند، به راحتی امکان بر جسته شدن یا تقویت شدن هویت قومی در مقابل هویت ملی وجود دارد. این امر می تواند محرکی قوی برای دست یازیدن به اعمال سیاسی و مدعی شدن برای حق تعیین سرنوشت و در نتیجه بحران های قومی شود. (ایوبی ۱۳۷۷: ۲۹-۳۰)

با توجه به این امر، ارتباط بسیار نزدیک هویت ملی با حقوق شهروندی روشن می شود. شهروندی شأنی است که در آن به طور ضمنی برابری انسان هایی که عضویت یک ملت و دولت ملی را پذیرفته اند تأکید شده است. این تساوی و برابری در حقوق شهروندی است. حقوقی که به طور رسمی تمامی اعضای یک ملت سواً تمایزات نژادی، زبانی و قومی دارای آن هستند. اهم این حقوق عبارتند از: برابری و تساوی در فرصت دستیابی به مقامات سیاسی و اداری جامعه، فرصت های اساسی مانند تحصیلات، شغل مناسب، امکانات رفاهی، حقوق و

✓ اهمیت

مفهوم هویت

ملی نسبت به

سایر انواع

هویت جمعی،

در تأثیر

بسیار آن به

حوزه های

متفاوت

زندگی در هر

نظام اجتماعی

است؛ مثلاً

هویت ملی در

حوزه سیاست،

آرمان ها را

تحقق

می بخشد و یا

به قدرت

حاکم

مشروعیت

می دهد و بر

میزان نفوذ آن

می افزاید.

امتیازات قانونی و مشارکت سیاسی. (قیصری ۱۳۷۷: ۵۰-۱۳)

د) جمع بندی مباحث تئوریک

بر اساس یک چارچوب نظری تلفیقی، می توان عوامل مؤثر بر نگرش نسبت به هویت ملی را در چهار مقوله قرار داد. یکی فرایند جامعه پذیری است که دربرگیرنده متغیر خانواده، همسالان و گروه های مرجع می باشد. رسانه های گروهی و دانشگاه به صورت تعداد ترم های تحصیلی گذرانده شده نیز جزو عوامل جامعه پذیری هستند. اما از آن جا که این دو متغیر را می توان به طور مشخص تر در قالب کسب اطلاعات یا آگاهی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تکوین نگرش ها، قرار داد، ما آنها را در مقوله دوم تحت عنوان آگاهی قرار می دهیم. مقوله سوم تحت عنوان نیازها مطرح می گردد؛ در این مقوله می توان متغیرهای احساس تبعیض و احساس محرومیت را قرار داد. هم چنین بحث رضایت راکه ناشی از ارضاء نیازها می باشد می توان در این مقوله گنجانید. سه متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، جنسیت و محل سکونت را می توان تا حدودی با بحث موقعیت و نیز بحث تعلق گروهی مرتبط دانست و مسامحتاً در مقوله ای تحت عنوان "موقعیت اجتماعی" قرار داد. عضویت گروهی نیز که بسیار نزدیک به بحث تعلق گروهی است در این مقوله قرار می گیرد.

ه) مبانی روشی تحقیق

۱- متغیرهای مورد بررسی

الف) متغیرهای مستقل: این متغیرها به طور مختصر در زیر معرفی می شوند:

- ۱- جنسیت: متغیر اسمی با دو ارزش زن و مرد.
- ۲- خانواده: با عنوان پیوستگی خانواده (میزان تبعیت از خانواده)، متغیر ترتیبی با پنج ارزش خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم.
- ۳- همسالان: با عنوان پیوستگی با همسالان (دوستان صمیمی)، متغیر ترتیبی با پنج ارزش همانند خانواده.
- ۴- گروه های مرجع: با عنوان پیوستگی با گروه های مرجع (اساتید، علماء و ...)، متغیر ترتیبی با پنج ارزش همانند خانواده.
- ۵- محل سکونت خانواده: متغیر اسمی با دو ارزش شهر و روستا.
- ۶- پایگاه اقتصادی - اجتماعی: بر اساس شاخص های

نوع منزل مسکونی خانواده و ارزش آن، شغل پدر، تحصیلات پدر و درآمد (هزینه زندگی خانواده پدری)، متغیر ترتیبی به سه ارزش بالا، متوسط و پایین.

- ۷- تعداد ترم های تحصیلی گذرانده شده: متغیر نسبی.
- ۸- رسانه های گروهی: بر اساس میزان استفاده از روزنامه، رادیو و تلویزیون، متغیر ترتیبی با سه ارزش زیاد، متوسط و کم.
- ۹- عضویت گروهی: بر اساس عضویت در انجمن های هنری، علمی، ادبی، تیم های ورزشی، جامعه اسلامی دانشجویان، بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی دانشجویان، متغیر ترتیبی با چهار ارزش زیاد، متوسط، کم و عدم عضویت.

۱۰- رضایت: با عنوان رضایت از کشور بر اساس رضایت از زندگی، کار و تحصیل در ایران، متغیر ترتیبی با سه ارزش زیاد، متوسط و کم.

۱۱- احساس تبعیض: بر اساس تبعیض نسبت به حقوق شهروندی شامل بودجه و امکانات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و اقتصادی در استان، فرصت های دستیابی به مقامات سیاسی و اداری، حقوق و امتیازات قانونی، متغیر ترتیبی با سه ارزش زیاد، متوسط و کم.

۱۲- احساس محرومیت: بر اساس احساس محرومیت نسبت به امکانات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و اقتصادی در استان، متغیر ترتیبی با سه ارزش زیاد، متوسط و کم.

ب) متغیر وابسته

در این پژوهش نگرش نسبت به هویت ملی بر اساس سه شاخصه سنجیده شده است. برآیند یا معدل گرایش نسبت به این سه شاخص، نشان دهنده نگرش نسبت به هویت ملی می باشد. نگرش نسبت به ملت، بر اساس ترکیبی از طیف های بوگاردوس، گاتمن و لیکرت که شامل هفت گویه است سنجیده می شود.

گویه ها که حالتی انباشتی دارند عبارتند از:

- ۱- آیا حاضرید که خواهرتان بایک غیر بلوچ ازدواج کند؟
- ۲- آیا حاضرید بایک غیر بلوچ مشارکت اقتصادی کنید؟
- ۳- آیا حاضرید در همسایگی بایک غیر بلوچ با اورفت و آمد و معاشرت کنید؟
- ۴- آیا حاضرید یک غیر بلوچ را به همسایگی بپذیرید؟
- ۵- آیا حاضرید یک غیر بلوچ را به عنوان همکار بپذیرید؟
- ۶- با این نظر عظیم که می گوید: من اصلاً خوشم نمی آید با بلوچ ها هموطن باشم.
- ۷- با این نظر گمشاد که می گوید: اگر زورم می رسید تمام غیر بلوچ ها را از این منطقه بیرون می کردم.

ادرا این پژوهش نگرش نسبت به هویت ملی بر اساس سه شاخصه سنجیده شده است. برآیند یا معدل گرایش نسبت به این سه شاخص، نشان دهنده نگرش نسبت به هویت ملی می باشد.

نمره‌ای که براساس ضریب گویه‌ها و پنج گزینه کاملاً موافق تا کاملاً مخالف هر گویه به دست می‌آید، در نهایت بیانگر نسبت به ملت در پنج سطح خیلی مثبت، مثبت، بی تفاوت، منفی و خیلی منفی می‌باشد.

نگرش نسبت به سرزمین مشابه با طیف لیکرت و براساس چهار گزینه زیر سنجیده می‌شود:

- ۱- زندگی در ایران را به هر جای دنیا ترجیح می‌دهم.
 - ۲- لازم است هنگام تجاوز از ایران دفاع کنیم.
 - ۳- ایران به عنوان وطن هیچ اهمیتی برای من ندارد.
 - ۴- من به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم.
- نگرش نسبت به دولت همانند نگرش نسبت به سرزمین و براساس پنج گزینه زیر سنجیده می‌شود:
- ۱- حکومت ایران یک حکومت مردمی بوده و رابطه آن با مردم خوب است.
 - ۲- همکاری با حکومت در اجرای برنامه‌هایش لازم است.

- ۳- نظام حاکم بر ایران، برای من اهمیت چندانی ندارد.
- ۴- سران حکومت دلسوز بوده و به فکر کشور هستند.
- ۵- حکومت ایران یک حکومت مستقل بوده و این مایه افتخار است.

در نهایت براساس نمرات سه شاخص فوق، نگرش نسبت به هویت ملی به صورت یک متغیر ترتیبی با سه ارزش مثبت، بی تفاوت و منفی سنجیده می‌شود.

لازم به ذکر است که برای تبیین مناسب تر رابطه بین متغیرهای اصلی سه متغیر توصیفی نیز در پرسشنامه گنجانیده شده که عبارتند از:

- ۱- رتبه قوم بلوچ در میان اقوام ایران در بهره برداری از امکانات و فرصت‌های موجود در کشور از نظر پاسخگویان.
- ۲- معیارهای مسئولین حکومتی برای ابراز توجه به مردم (همانند تخصیص بودجه، امکانات و فرصت‌های شغلی) از نظر پاسخگویان.
- ۳- ترتیب هویت پاسخگویان: جهت مقایسه سه هویت ایرانی، هویت قومی بلوچ و هویت دینی مسلمانی.

۲- روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از روش پیمایش مقطعی^(۱) استفاده شده است، که به کمک پرسشنامه انجام گرفته است. پرسشنامه نهایی بعد از انجام یک آزمون مقدماتی با استفاده از پرسشنامه اولیه در بین ۲۵ نفر از دانشجویان و انجام تحلیل عامل و آزمون اعتبار و روایی تهیه گردید. جامعه

آماري تحقيق، كليه دانشجويان پسر و دختر بلوچ بودند كه در سه دانشگاه سيستان و بلوچستان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان و دانشگاه آزاد زاهدان در مقطع کارشناسی و بالاتر و در نیمسال دوم تحصیلی ۷۹-۸۰ در شهرستان زاهدان مشغول به تحصیل بودند. براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۱۴۵ نفر تعیین گردید.

در نهایت بر روی ۱۵۴ نفر کار تحقیق انجام گرفت که از این میان از دانشگاه سیستان و بلوچستان ۵۰ نفر پسر و ۲۷ نفر دختر، از دانشگاه علوم پزشکی زاهدان ۱۸ نفر پسر و ۹ نفر دختر و از دانشگاه آزاد زاهدان ۲۹ نفر پسر و ۲۱ نفر دختر بودند. کار نمونه گیری با روش طبقه‌ای نسبی بر حسب نوع دانشگاه و نوع جنسیت انجام گرفت. برای این کار از لیست‌های دانشجویان موجود در اداره آموزش دانشگاه و در مواردی براساس اطلاعات تعدادی از دانشجویان استفاده شد. داده‌های بدست آمده بانرم افزار SPSS و در سطح توصیفی با جداول یک بعدی و آماره‌های تمایل به مرکز میانگین، میانه و نما و در سطح استنباطی از جداول دوبعدی و آماره‌های کی دو^(۲)، ضریب توافق^(۳)، کندال تاو^(۴) B و C و نیز تکنیک آماری تحلیل رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

(و تجزیه و تحلیل داده‌ها

مهمترین نتایج توصیفی تحقیق عبارتند از:

- ۱- احساس تبعیض در جمعیت مورد بررسی در حد بالایی است به طوری که بیش از ۹۰٪ آنها به میزان زیادی احساس تبعیض می‌نمایند.
- ۲- احساس محرومیت نیز در حد بالایی بوده و ۸۷٪ آنها به میزان زیادی احساس محرومیت می‌کنند.
- ۳- نگرش نسبت به ملت در مجموع مثبت است. نزدیک به ۶۰٪ آنها نسبت به ملت دارای نگرش مثبت یا خیلی مثبت هستند.
- ۴- نگرش نسبت به سرزمین در مجموع مثبت است، به طوری که نزدیک به ۷۵٪ آنها نسبت به سرزمین دارای نگرش مثبت یا خیلی مثبت هستند.
- ۵- نگرش نسبت به دولت، در حد بی تفاوت است به طوری که نزدیک به ۷۰٪ آنها نگرشی بی تفاوت تا خیلی منفی نسبت به دولت دارند.
- ۶- نگرش نسبت به هویت ملی در جمعیت مورد بررسی تا حدودی مثبت است.
- ۷- به نظر پاسخگویان رتبه قوم بلوچ نسبت به سایر اقوام

✓ به نظر پاسخگویان رتبه نسبت به سایر اقوام ایرانی آخریا هفتم است، به طوری که ۷۳/۹٪ آنها اعتقاد دارند قوم بلوچ از نظر امکان بهره برداری از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در میان اقوام ایرانی از کمترین امکان برخوردار است.

1-Cross Sectionol 2- Chi-Spouare 3-Kendall s tau

ایرانی آخر یا هفتم است، به طوری که ۷۳/۹٪ آنها اعتقاد دارند قوم بلوچ از نظر امکان بهره برداری از فرصت ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در میان اقوام ایرانی از کمترین امکان برخوردار است.

۸- بنا به نظر پاسخگویان، معیار مسئولین برای تخصیص امکانات، فرصت ها و بودجه به مردم، نوع مذهب است. ۴۵/۶٪ آنها نوع مذهب و ۳۵/۸٪ آنها میزان پارتی را معیار اصلی می دانند. تنها در صد اندکی یعنی ۷٪ معتقدند این معیار نوع قومیت است.

۹- ترتیب هویت در جمعیت مورد بررسی، به ترتیب میزان اهمیت، هویت دینی یا مسلمانی، هویت ایرانی و هویت قومی یا بلوچی است، ۷۰/۷٪ آنها مسلمان بودن، ۱۷/۸٪ ایرانی بودن و ۱۷/۵٪ بلوچ بودن را هویت اول خود معرفی کرده اند.

۱۰- از میان متغیرهای مستقل مورد بررسی تنها چهار متغیر پیوستگی خانوادگی، پیوستگی با همسالان، پیوستگی با گروه های مرجع و میزان رضایت از کشور با نگرش نسبت به هویت ملی رابطه معناداری داشتند. این امر بر نقش عوامل جامعه پذیری و رضایت در تکوین نگرش نسبت به هویت ملی و به عبارتی دیگر فرایند هویت یابی ملی تأکید می کند. اما با توجه به معکوس بودن رابطه عوامل جامعه پذیری با نگرش نسبت به هویت ملی روشن می گردد که در فرایند جامعه پذیری دانشجویان بلوچ جریانی مخالف با هویت یابی ملی حکمفرماست.

۱۱- تحلیل رگرسیون چند متغیره انجام شده بر روی متغیرهای فوق نشان می دهد که در میان چهار متغیر فوق تنها متغیر رضایت از کشور قدرت تعیین کنندگی دارد و حدود ۲۲/۴٪ واریانس متغیر نگرش نسبت به هویت ملی را تعیین می نماید. این امر به معنای آن است که باید دنبال متغیرهای دیگری بر اساس سایر دیدگاه های نظری بود تا بتوانند میزان بیشتری از واریانس وابسته را تعیین نمایند، یا اینکه در تعریف هویت ملی در ایران تجدیدنظر نمود و بویژه نقش عنصر دولت در هویت ملی را مورد ارزیابی مجدد قرار داد.

نتیجه گیری

بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، تأکید نظریه های سطح خرد جامعه شناسی یعنی دیدگاه کنش متقابل نمادی بر نقش خانواده، گروه های همسالان و گروه های مرجع در روند جامعه پذیری یا شکل گیری "خود" به عنوان هویت مورد تأکید قرار گرفته است. اما بر خلاف فرایند

هویت یابی ملی در روند جامعه پذیری در کشورهای غربی - که به طور عمده مدنظر این نظریه پردازان بوده است - در ایران (حداقل در بلوچستان) نقش این عوامل جامعه پذیری، القای نگرش منفی نسبت به هویت ملی می باشد. البته هم چنان که نتایج توصیفی نشان می دهند این نگرش منفی به طور عمده متوجه دولت است و نه ملت و سرزمین، این امر ملی بودن دولت در ایران را (حداقل از نظر دانشجویان بلوچ) به زیر سؤال می برد و وجود آن چه را که در غرب، دولت - ملت نامیده می شود، در ایران تأیید نمی کند.

همین امر به معنای تأیید این ادعای نظریه پردازان ابرازگر در مورد قومی و ناسیونالیسم است که هویت ملی پدیده ای جدید و مدرن بوده و توسط نظام سیاسی ایجاد می شود. بر خلاف هویت ملی، هویت ایرانی بر مبنای دو عنصر مردم و سرزمین، هم چنان که نتایج این تحقیق نشان می دهند، به طور نسبتاً قوی در میان دانشجویان بلوچ وجود دارد. این نوع هویت، که در واقع نوعی هویت قومی است، بر اساس شواهد تاریخی از دیرباز در میان مردم بلوچ وجود داشته است. ترتیب هویتی دانشجویان نشان می دهد که یک هویت قومی خاص با عنوان هویت بلوچی در مقابل این هویت ایرانی بروز نکرده است. این امر با نظریه استعمار داخلی هشتر که استعمار نواحی پیرامونی در یک جامعه ملی توسط مرکز و اعمال تبعیض و محرومیت نسبت به این نواحی را از عوامل بسیج قومی می داند همخوانی ندارد البته ترتیب هویت که در آن هویت مسلمان بودن، هویت غالب و اول را در میان بلوچ ها تشکیل می دهد با این امر که اغلب بلوچ ها تبعیضات را به طور غالب واجد جنبه مذهبی می دانند، مطابقت دارد و نشان دهنده تأکید بلوچ ها بر عناصر مذهبی خویش، در مقابل هویت مذهبی مورد نظر دولت می باشد. با توجه به این امر، اگر عنصر مذهب را یکی از عناصر هویت قومی بدانیم این امر می تواند با بسیاری از نظریه های بسیج قومی مطابقت داشته باشد.

احساس تبعیض و احساس محرومیت موجود که در سطح بالایی بوده و بویژه در مورد حقوق شهروندی وجود دارند و با این حال هیچ رابطه معناداری با نگرش نسبت به هویت ملی ندارند، می تواند تأکید دیگری بر این مطلب باشد که یک دولت - ملت، که در قالب آن دولت ملی نقش زیادی در ایجاد و بقای هویت ملی دارد، در ایران وجود ندارد. چرا که عامل اصلی از نظر مردم بلوچ در اعمال تبعیض و حتی محرومیت و در نتیجه نفی حقوق

✓ بر خلاف هویت ملی، هویت ایرانی بر مبنای دو عنصر مردم و سرزمین، هم چنان که نتایج این تحقیق نشان می دهند، به طور نسبتاً قوی در میان دانشجویان بلوچ وجود دارد.

- ۳- وارد نمودن هویت یابی ملی در فرایند جامعه پذیری؛
- ۴- رفع محرومیت ها و تبعیض های موجود در مورد موقعیت ها بویژه در زمینه حقوق شهروندی و مشارکت در امور جامعه؛
- ۵- اعمال سیاست تکثرگرایی فرهنگی و خودداری از سیاست شبیه سازی فرهنگی.



منابع:

- ۱- آلمان، فرنگیس (۱۳۷۵)، "بررسی عوامل موثر بر هویت فرهنگی دانش آموزان"، پایان نامه کارشناسی ارشد امور فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۲- امیر احمدیان، بهرام (پاییز ۱۳۸۸)، "درجه توسعه یافتگی استان ها و همسازی ملی در ایران"، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۸.
- ۳- ایوبی، حجت الله (بهار ۱۳۷۷)، "شکاف های قومی و خشونت در بیکارهای سیاسی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، صص ۱۹-۳۷.
- ۴- پالم، مونت و دیگران (۱۳۷۱)، "نگرش جدید به علم سیاست"، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، چاپ سوم.
- ۵- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴)، "نظریه های جامعه شناسی"، تهران، نشر سمت، چاپ پنجم.
- ۶- حاجیانی، ابراهیم (پاییز ۱۳۷۹)، "تحلیل جامعه شناسی هویت ملی در ایران و چند فرضیه"، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵، صص ۱۹۳-۲۲۸.
- ۷- دواس، دی. ای (۱۳۷۶)، "تیمایش در تحقیقات اجتماعی"، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشرنی، چاپ اول.
- ۸- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲)، "سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی"، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی.
- ۹- ریترز، جورج (۱۳۷۷)، "نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر"، ترجمه محمد محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ۱۰- عبداللهی، محمد (۱۳۷۹)، "بینش های جامعه شناسی"، جزوه درسی کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۱- قیصری، نورا... (بهار ۱۳۷۷)، "قومیت عرب و هویت ملی در ج.ا. ایران"، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره ۱، صص ۴۹-۸۳.
- ۱۲- کوزر، لوئیس (۱۳۷۷)، "زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی"، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ هفتم.
- ۱۳- مشیری، مهشید (۱۳۶۹)، "فرهنگ زبان فارسی"، تهران، نشر سروش، چاپ اول.

شهروندی، حکومت به شمار می رود. در واقع از آن جا که تلاش دولت برای ایجاد هویت ملی مبتنی بر تعریف واقعی آن و از جمله تأکید بر حقوق شهروندی و ملت سازی نبوده است عملاً نتیجه ای معکوس داشته است و در میان قومیت هایی همانند بلوچ ها تنها یک هویت ظاهری و اسمی ایجاد کرده است.

هر چند هویت ایرانی به مفهوم تاریخی آن در میان قوم بلوچ وجود دارد اما در شرایط امروزی دنیا و لزوم ملی بودن دولت ها به معنای واقعی، خواه ناخواه لازم است یک هویت ملی مدرن، که لازمه آن نگرش مثبت نسبت به همه عناصر آن و از جمله دولت است، ایجاد شود. حال که اقدامات اقتدار طلبانه از زمان رضاخان تا به حال نتوانسته است حداقل در مورد بلوچ ها، یک چنین هویتی را ایجاد نماید، لزوم تجدید نظر در سیاست ها و برنامه های دولت آشکار می شود. احساس محرومیت و احساس تبعیض در این حد بالا، هیچ گاه با یک هویت ملی مدرن همخوانی نداشته و می توانند در شرایط بحرانی کشور، مشکلات حادی ایجاد نمایند. رسانه های جمعی که از مهمترین ابزارهای دولت برای ایجاد هویت ملی و نیز همبستگی و وفاق ملی هستند، با توجه به اینکه براساس این تحقیق رابطه معناداری با هویت ملی نداشتند بیانگر این مطلب هستند که نتوانسته اند به عنوان رسانه هایی ملی، اعتبار چندانی را به خود جلب نمایند.

وجود نوعی تعارض هویتی از جنبه مذهبی بین بلوچستان و مرکز که قبلاً ذکر آن رفت، لزوم اتخاذ سیاست های عقلانی تری را در مورد ارتباط بین مذهب رسمی و مذهب تسنن و نیز رفع تبعیض های مذهبی موجود و حداقل احساس تبعیض هایی را که در این زمینه وجود دارد، روشن می سازد و اراده لازم برای جلوگیری از نقش عوامل تندرو در ایجاد اختلافات مذهبی و دامن زدن به آنها را طلب می کند.

ح) پیشنهادها

راهبردهای که براساس نتایج این تحقیق می توان برای فراگیر شدن هویت ملی در میان قومیت هایی همانند بلوچ ها پیشنهاد داد به طور مختصر عبارتند از:

- ۱- تعریف مجدد هویت ملی توسط دولت با تکیه بر مبانی آن بویژه ملت سازی و حقوق شهروندی؛
- ۲- بسیج منابع برای مثبت کردن نگرش مردم نسبت به هویت ملی بویژه با ایفای نقش نخبگان و رسانه های گروهی؛

✓ احساس محرومیت و احساس تبعیض در این حد بالا، هیچ گاه با یک هویت ملی مدرن همخوانی نداشته و می توانند در شرایط بحرانی کشور، مشکلات حادی ایجاد نمایند.